

کتیبه فارسی مسجد هانچو در چین

در تابستان سال ۱۳۵۶ که نگارنده به عنوان یک مأموریت علمی در دانشکده زبانهای خاوری دانشگاه پکن به تدریس زبان فارسی و همکاری با مؤلفان فرهنگ فارسی - چینی اشتغال داشت، توسط مقامات وزارت آموزش و پرورش جمهوری خلق چین سواد کتیبه‌ای در اختیار بنده قرار گرفت تا برایشان قرائت کنم. به طوری که مقامات وزارت آموزش و پرورش چین اظهار می‌داشتند این کتیبه که به خط و زبان فارسی است در مسجدی بوده است در شهر "هانچو" ^۱ که به مرور زمان مقداری از آن کتیبه ساییده شده و در اثر فرسایش قسمتهایی از آن از بین رفته است. آنچه بنده توانستم از روی تنها نسخه‌ای که کپیبرداری شده بود بخوانم بدین قرار است:

حق سبحانه و تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا مسجد اسس على التقوى الحق ان القوة به الله تعالى

بحکم نص قاطع ربانی و برهان ساطع صمدانی که انما بعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر و حدیث نبوی و کلام مصطفوی که من عمر بهت الله عمر الله بیته فی الدنيا والاخرة هر صاحب دولتی را که دید بصیرت او بنور فاعتری و یا اولی الابصار منور و چشم بصارت او بکحل یهدی الله بنوره من یشاء مکمل باشد نزد او اظهر من الشمس و ابین من الامس خواهد بود که بهترین خیرات و مقدس‌ترین میراث بنای مسجد و . . . چنانچه منطوق این حدیث من بنی الله تعالی مسجدا " بنی الله له بیتا فی الجنة " عمل این ناظم است و این سعادت مقبول بارگاه احدی و خصوص (حضور؟) درگاه محمدی را روزی کند، چنانکه درین مدت در عهد این . . . فغفور برافرازنده اعلام الناس، برافروزنده انوار . . .

چاکر درگاه او خسرو جم اقتدار بنده فرمان او قیصر خاقان تسار

از هنرش گاه رزم و زگرش روز بزم رستم دستان خجل حاتم طی شرمسار

تاج سرافرازیش داده ز کسری نشان تخت شهنشاهیش مانده زکی پادگار

.....

 باقی و پاینده یاد دولت مملکتش بر دوام سلطنتش برقرار
 این سعادت و دولت ... و هدایت به بنای چنین مسجدی بهترین حال و ذخرمآل کسی ...
 که کفیل مصالح اهل اسلام و مرجع ... ابواب ...
 هذّه جناب عدن فاد غلوهّا خالدین

عمارتی که ندارد چو کعبه شبه و مثال

تا اساس مسجد اقصاست اندر آسمان

در زمین تا کعبه و بهیت الحرامست و ...

خواندن قسمت‌های پائین سواد کتیبه حتی به صورت کلمه‌ای هم میسر نبود. ولی در آخر کتیبه عبارت "بنا کرده" فخرالدین بن شهاب‌الدین بن علاء‌الدین ترمذی "به خوبی واضح و آشکار بود.

چون در این قبیل موارد معمولاً از کتیبه‌ها نسخه‌های متعدد تهیه می‌شود تا اگر کلمه‌ای در یک نسخه خوب نگرفته بود با نسخه دیگر مقابله و خوانده شود، از مقامات وزارت آموزش و پرورش چنین خواهش کردم دستور دهند دو یا سه کپی دیگر تهیه گردد که متأسفانه چون این جریان در آخرین روزهای اقامت ما در پکن بود موفق به دریافت و رویت کپی‌های دیگر نشدم.

بررسی کتیبه

طرز املائی کتیبه تقریباً به همان شکلی است که در متن آورده‌ام. خط کتیبه خطی است شبیه نستعلیق. در اطراف کتیبه حجاری‌هایی شده است که طرح آن در کپی شکل مشخصی نداشت. در بالای کتیبه یک نیم دایره حجاری شده وجود دارد که در وسط آن در دو سطر زیر هم نوشته شده است "حق سبحانه و تعالی - بسم الله الرحمن الرحیم" سپس کتیبه با عبارت هذا مسجد اسس علی التقوی، شروع شده است.

راجع به سبک نوشته کتیبه، استادم دکتر سید جعفر شهیدی رئیس مؤسسه لغت‌نامه، دهخدا و چند تن از صاحب‌نظران دیگر اظهار نظر فرمودند که سبک نوشته مربوط به دوره بعد از مغول است. و راجع به قصیده‌ای که چند بیت آن خوانده شد نیز اظهار نظر شد که از استحکام کلام برخوردار است.

اگر فخرالدین بن شهاب‌الدین بن علاء‌الدین ترمذی بناکننده مسجد همان "ناظم" باشد در عبارت "عمل این ناظم است" قصیده از خود اوست. در غیر این صورت شاید

با تحقیق بیشتر ناظم قصیده و گوینده آن بدست آید و شناخته گردد.

جز اینها که گفته شد نشانه دیگری که تاریخ بنای مسجد و سایر مشخصات آن را برساند در کتیبه ملاحظه نشد.

باقی ماندن نام بناکننده مسجد وسیله شد تا تحقیق در باره زمان بنای مسجد و شناخت بیشتر بنیادگذاران آن به نتیجه برسد.

قبل از بیان نتیجه تحقیقی که در این مورد صورت گرفته بی مناسبت نیست گفته شود که قرائت متن کتیبه از روی سواد منحصر به فرد آن به دنبال بازدید بود که از کتابهای خطی موجود در مسجد "دون شه Dong-she" در پکن بعمل آمد. در همان فرصت کوتاه در بررسی چند نسخه خطی معلوم شد که اکثر کتابهای خطی نه تاریخ کتابت دارد و نه نام نویسنده و مؤلف. گویا در چین قدیم رسم نبوده است بر مقدمه کتابها و یا کتیبه‌هایی نظیر آنچه به تحریر آمد تاریخ و مشخصات اشخاص نوشته آید.

فخرالدین ترمذی و بنیاد مسجد هان چو:

کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی مؤلف کتاب "مطلع سعد و مجمع بحرین" ذیل حوادث سال ۸۲۵ هجری قمری^۲ در ذکر آمدن ایلچیان که به مملک خطای رفته بودند و شرح غرایب و عجایب آن دیار می‌نویسد:

"در وقایع سنه اثنین و عشرين^۳ مذکور است که حضرت خاقان سعید ایلچیان مقدم شادی خواجه نامزد مملکت خطای فرمود و میرزا بایسنغر سلطان احمد و غیاث‌الدین نقاش را ارسال نمود و بتأکید تمام خواجه غیاث‌الدین را گفته بود که از آن روز که از دارالسلطنه هرات بیرون رود تا بروزی که باز آید در هر شهر و ولایت آنچه ببیند از چگونگی راه و صفت ولایت و عمارت و قواعد شهرها و عظمت پادشاهان و طریقه ضبط سیاست ایشان و عجایب آن بلاد و دیار و اطوار ملوک نامدار روز بروز بطریق روزنامه ثبت نماید. درین سال یعنی خمس و عشرين فرستادگان یازدهم رمضان بهرات رسیدند و بیلاکات و تنسوقات پادشاه خطای بعرض رسانیدند و حکایات غریب و کلمات عجیب از اوضاع و رسوم آن ممالک تقریر کردند و چون خواجه غیاث‌الدین مضمون آن ولایات و حکایات بی‌غرض و تعصب نوشته بود زبده و نقاوه آن سخنان ثبت افتاد والعهدۃ علی الراوی و درین مقام شرح این کلام بنوع بسطی اختتام خواهد یافت.

ایلچیان شانزدهم ذیقعد از دارالسلطنه هرات روان شدند پنجم ماه رجب به قراخواجه رسیدند و دهم ماه خطایبان آمده اسامی ایلچیان و عدد مردم ایشان نوشتند و نوزدهم به قصبه اتا صوفی فرود آمدند و آنجا یکی از خاندان مصطفوی و

فرزندان مرتضوی خان زاده تاج‌الدین از سادات ترمذ داماد امیر فخرالدین حاکم مسلمانان کامل بود لنگری ساخته و لنگر اقامت انداخته .

و بیست و یکم رجب به شهر کامل رسیدند و درین شهر امام فخرالدین مسجد عالی و معبد متعالی ساخته و در غایت تکلف پرداخته بود و کافران نزدیک مسجد بتخانه‌ای داشتند که بر اطراف آن بتان خرد و بزرگ به صور بدیع نگاشته بودند و بر در بتخانه صورت دو دیو بر یکدیگر حمله کرده نموده بودند و منکلی تیموربایری^۴ جوانی صاحب جمال حاکم کامل بود .

خواند میر مؤلف تاریخ حبیب‌السیر شمه‌ای از این حوادث را در کتاب خود نقل کرده است^۵. به طوری که همکاران چینی، آنها که شهر "هان چو" و مسجد آن را دیده‌اند می‌گفتند در نزدیکی مسجد معبدی هست که در آن چند مجسمه مسی وجود دارد. با این بیان و با توضیحاتی که در حاشیه صفحه ۳۸۱ کتاب مطلع‌السعدین آمده است که "در پیش بتی بزرگ مقدار بچه ده ساله صورتی از مس ساخته در غایب صنعت و خوبی و بر دیوارهای خانه صورت‌گریهای استادانه کرده و رنگ‌آمیزیهای خوب" به نظر می‌رسد که شهر "هان چو" همان شهر کامل است که امیر فخرالدین حاکم مسلمانان کامل در آن اقامت داشته و آن مسجد عالی را ساخته است .

شاید در آینده این توفیق دست دهد که از این مسجد بازدید بعمل آید و نکات دقیق‌تری کشف و معلوم گردد .

پاورقی‌ها

۱ - داود تهنک در فصل نهم کتاب "اسلام، صراط مستقیم" گردآورده کنت مورگان که توسط آقای سید مهدی امین به فارسی ترجمه شده و کتاب مزبور توسط مؤسسه انتشارات فرانکلین در سال ۱۳۴۲ در تبریز به چاپ رسیده، در مورد تاریخ ورود اسلام به شهرهای مختلف چین منجمله هانگ چو (هانچو) و همچنین در باره نخستین مساجدی که در چین بنا شده چنین آورده است:

"مورخین در تعیین تاریخ ورود اسلام بکشور چین اختلاف عقیده دارند و تاریخ عرب نیز هیچ سابقه‌ای از این امر نشان نمیدهد. فقط در سالنامه‌های تاریخی چین اشاره مجملی به آن شده است. تاریخ کهن دودمان تانگ اشاره میکند که بسال دوم سلطنت یونگ وی در حدود سال ۳۱ هجری، فرستاده‌ای از عربستان بدربار خاقان آمد و هدایایی با خود آورد. این فرستاده گفت که دولت ایشان سی و یک

سال قبل تأسیس یافته است، از این مطلب چنین مستفاد میشود که وی مقارن خلافت عثمان بدربار تانگ رسیده است. مطابق روایات مسلمین چین، این نخستین مرحله ورود اسلام بکشور چین میباشد. سرپرستی این هیئت را سعد بن ابی وقاص یکی از صحابه‌های مشهور پیغمبر بعهدہ داشت و همراهان وی در حدود پانزده نفر میشدند که از راه اقیانوس هند و دریای چین به بندر کوانگ‌چو رسیده و از آنجا از راه خشکی به شهر مرکزی چانگان رفته و دعوت خود را به خاقان ابلاغ کرده‌اند.

خاقان پس از کسب اطلاعاتی چند از دین مقدس اسلام آنرا با تعالیم کنفوسیوس موافق می‌بیند و اسلام را تأیید و تصدیق میکند. ولی مقرراتی مانند پنج مرتبه نماز یومیه و یک ماه روزه بطبع وی گران می‌آید و بدان نمی‌گردد. ولی به سعد و همراهان وی اجازه تبلیغ دین اسلام را در چین میدهد و موافقت خود را با تأسیس اولین مسجد در شهر چانگان اعلام میدارد و بدین وسیله علاقه خود را بدین مقدس اسلام ابراز مینماید. بنای این مسجد واقعه مهمی در تاریخ اسلام بشمار میرود که هنوز هم پس از قرن‌ها تعمیر و تجدید بنا، بصورت آبرومندی در سیان جدید باقی میماند.

سالها بعد وقتی سعد پیر و مریض میشود، اجازه مییابد که بوطن خود بازگردد ولی متأسفانه در بین راه میمیرد و در بندر کوانگ‌چو دفن میشود. در موضع قبر او مسجدی بیادبود وی بنا شده که دومین مسجد تاریخی چین میباشد و تا امروز نیز باقی است. عده‌ای از همراهان سعد نیز در چین میمیرند و بقیه به میهن خود باز میگردند. میان مورخین چینی و خارجی در محل فوت سعد بن ابی‌وقاص اختلاف عقیده هست. مورخین چینی عقیده دارند که وی در بندر کوانگ‌چو از دنیا رفته و مزارش نیز دلیل این مدعی است. ولی عربها اصرار دارند که او در مدینه مرده و همانجا نیز دفن گشته است. هنگامیکه حجاج چینی به مکه مشرف میشوند و برای زیارت قبر رسول‌الله به مدینه منوره میروند قبر مشهور سعد نیز بایشان نشان داده می‌شود. بهر حال هنوز این موضوع محل تردید است. ولی مسلمانان یکی از این گورها حقیقی است و دیگری فقط مظهري از مدفن اصلی بشمار میرود.

مسلمینی که در اوایل کار به چین مسافرت میکردند، معمولاً از طریق دریا و از همان راهی که سعد طی کرده بود، می‌رفتند و همه‌جا از راهنمائیهای سعد و یارانش که شالوده اسلام را در آن سامان ریخته بودند، پیروی میکردند. در عصر خلافت

بنی‌امیه و بنی‌عباس مسافرت سوداگران و مبلغین مسلمان به چین افزایش یافت و عرب‌هاییکه در خلافت بنی‌امیه به چین وارد شده بودند به "تازیان سفیدپوش" معروف بودند. در دوره خلافت عباسیان که روابط دوستانه بین امپراطوریهای اسلام و چین توسعه بیشتری یافت، دسته‌های فراوانی از تازیان بدان دیار رفتند و این عربها را "تازیان سیاه‌پوش" میگفتند. بطور تقریبی پنج یا شش هیئت که هرکدام مرکب از بیست تن بودند در عصر امویان و عباسیان به چین آمده و تحف و هدایای گرانبهائی به دربار خاقان چین آورده‌اند و چینی‌ها نیز در مقابل از آنها صمیمانه استقبال کرده و بوسیله آنان هدایائی به خدمت خلیفه فرستاده‌اند. از این مطلب میتوان به وجود روابط دوستانه بین دو امپراطوری بزرگ آن عصر پی برد. در یک قرن و نیم یعنی در فاصله سال ۳۱ تا ۱۸۴ هجری عده قابل توجهی از بازرگانان عرب و ایرانی از راه دریا به چین وارد میشوند و در بندر کوانگ‌چو اقامت میگزینند و از آن تاریخ به بعد رفته‌رفته در راسته ساحل به پیشروی خود ادامه میدهند و به شهرهای مهم آنجا نفوذ میکنند و بالاخره به اقصی نقاط شمالی چین و تا شهر هانگ‌چو نیز میرسند.

مسلمین به هر شهریکه وارد میشوند اول اقدام به ساختن مساجدی بعنوان مراکز دینی خود میکنند. این مساجد که بوضع زیبا و نسبتاً بزرگی ساخته شده‌اند دلیل واضحی بر قوت بنیه مالی تجار و سوداگران مسلمان آن عصر میباشد. در بعضی نواحی عده زیادی از این مساجد با همان شکوه و زیبایی خود باقی است. ولی متأسفانه در بعضی جاهای دیگر بزور زمان و به نسبت ضعف مسلمین و عدم توجه ایشان، ریخته و خراب شده‌اند و امروزه فقط بقایای آنها بعنوان آثار تاریخی نگهداری میشود.

- ۲- چاپ لاهور سال ۱۳۶۰ ه. ق. جلد دوم. جزء اول ص ۳۷۷.
- ۳- محمد شفیع مصحح کتاب مطلع السعدین مذکور، در حاشیه صفحه ۳۷۸ جلد دوم جزء اول. طبع دوم. سال ۱۳۶۰ به اشتباه ضبط این تاریخ اشاره کرده و رجوع داده است به ذیل وقایع سنه ۸۲۳.
- ۴- مصحح مطلع السعدین در حاشیه صفحه ۳۸۱ چاپ مذکور به نقل از حبیب‌السییر لقب این تیمور را بابری آورده است.
- ۵- حبیب‌السییر ج ۴ ص ۶۳۵ و لغت‌نامه دهخدا ذیل "قامل".